

مبانی نظری مرمت

نظریه پردازان، مقررات، آسیب شناسی و درمان

سید مهدی میردانش - مجید کفائی قاضی

www.ketab.ir

انتشارات پرهام نقش

۱۳۹۴

سرشناسه : میردانش، سیدمهدی
 عنوان و نام پدیدآور : مبانی نظری مرمت: نظریه پردازان، مقررات، آسیب شناسی و درمان/ سیدمهدی میردانش،
 مجید کفائی قائنی.
 مشخصات نشر : تهران: پرهام نقش، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری : ۳۶۸ ص.: مصور، جدول.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۲۶-۳۹-۵
 وضعیت فهرست نویسی : فیفا
 موضوع : آثار تاریخی — نگهداری و مرمت
 موضوع : ساختمان های تاریخی — نگهداری و مرمت
 شناسه افزوده : کفائی قائنی، مجید، ۱۳۶۰ -
 رده بندی کنگره : CC۱۳۵/م۹م۲ ۱۳۹۴
 رده بندی دیویی : ۳۶۳/۶۹
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۹۴۵۰۵۰



مبانی نظری مرمت

نظریه پردازان، مقررات، آسیب شناسی و درمان
 نویسنده : سید مهدی میردانش - مجید کفائی قائنی

ناشر : پرهام نقش

طراحی جلد : مصطفی سجادی

حروف نگاری و صفحه آرایی : اعظم دانشجو

چاپ و صحافی : نقش و رنگ خجستگان

شماره ثبت: ۱۳۵۴۵۴۵

شمارگان : ۵۰۰

نوبت چاپ : اول ۱۳۹۴

قیمت : ۲۳۰۰۰ تومان

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۲۶-۳۹-۵

© کلیه حقوق چاپ و نشر این اثر، برای ناشر محفوظ است

مراکز توزیع و فروش:

فروشگاه کتاب پرهام www.parhambook.com

تهران، خیابان انقلاب، ابتدای ۱۲ فروردین، پلاک ۲۹۷، تلفن: ۶۶۴۶۸۳۳۵

سیمای دانش: تهران، خیابان انقلاب، ابتدای ۱۲ فروردین، پلاک ۲۱۸، تلفن: ۶۶۹۶۶۱۱۳

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۵
مقدمه نویسندگان.....	۱۱
بخش اول - مبانی نظری مرمت	
فصل اول تاریخچه مرمت در ایران.....	۱۵
فصل دوم تاریخچه مرمت در اروپا.....	۴۲
فصل سوم منشورها، قطعنامه‌ها و کنواسیون‌های جهانی.....	۵۹
فصل چهارم واژه‌های کلیدی مرمت.....	۸۵
فصل پنجم نظریه پردازان مبانی مرمت.....	۹۱
بخش دوم - بافت‌ها و محوطه‌های تاریخی	
فصل ششم بافت‌های تاریخی.....	۱۲۱
فصل هفتم حریم اثر تاریخی.....	۱۳۷
فصل هشتم منظر فرهنگی.....	۱۴۳
فصل نهم تجارب مرمت شهری در کشورهای مختلف.....	۱۶۳
بخش سوم - فن شناسی و آسیب‌شناسی بناهای تاریخی	
فصل دهم حفاظت.....	۱۹۳
فصل یازدهم آسیب‌شناسی.....	۲۱۱
فصل دوازدهم استحکام‌بخشی بنا.....	۲۲۳
فصل سیزدهم ترک.....	۲۷۵
فصل چهاردهم رطوبت.....	۳۰۳
پیوست (۱) کوتاه‌نوشت‌ها و نشانه‌ها.....	۳۶۴

پیشگفتار

انسان همواره در شناختن و شناسایی اصل و ریشه خود کنجکاو بوده و آثار این جستجوگری پیوسته در بناها، گفتارها، کردارها، افسانه‌ها و اساطیر وی دیده شده است. موضوع تحقیق و پژوهش در آثار گذشتگان به اعتباری موضوع جدیدی نیست. در حوزه جغرافیایی فلات ایران، آثار و نشانه‌های فراوانی از زندگی جوامع انسانی پیش از تاریخ کشف و شناسایی شده است. آنچه مربوط به يك تمدن می‌شود، نشانه‌هایی از فرهنگ آن سرزمین است و فرهنگ، چیزی جز محتوای اجتماعی يك تمدن نیست. برای درك يك تمدن و يك دوره (به خصوص دوره تاریخی) همیشه لازم است که به ماحصل آن دوره و نشانه‌هایی که از آن باقی مانده است مراجعه کنیم، از این رو متوجه می‌شویم محوطه‌های تاریخی نتیجه تجربه نسل‌ها و جوامع گذشته در مبادلات فرهنگی - اقتصادی و نیز تدبیری در بهره‌گیری از استعدادها و اقلیمی در روند دوره‌های مختلف تاریخ است. بی‌اعتنایی به آثار به جای مانده از فرهنگ گذشتگان، بی‌توجهی به تاریخ، تجربه‌های انسان و جامعه است. با این نگرش، اهدام يك اثر تاریخی در راه ساختن فضا و اماکن جدید بدون شك نفی فرهنگ گذشته تلقی می‌شود و لذا در ۵۰ سال اخیر شاهد از میان رفتن بسیاری از محوطه‌های قدیمی و تاریخی و بی‌اعتباری روزافزون فرهنگ معماری و سنتی کشورمان بوده‌ایم. با توجه به عدم وجود زمینه‌ای مساعد در رویارویی منطقی جامعه ایرانی با پدیده‌های صنعتی جدید، غیربومی و توسعه روزافزون نیازمندی‌های جامعه با این پدیده، ضمن تحلیل فرهنگ بیگانه، موجباتی فراهم شده که اصراری عجولانه در مصرف کالاهای صنعتی و در نتیجه تأکید ناآگاهانه بر نفی ارزش‌های فرهنگی زیست گاهمان در قالب محله‌های قدیمی و یا به طور کلی در شهر قدیم داشته باشیم. به عبارت دیگر، با شتابی مضاعف که خود مولود دنیای صنعتی به ویژه صنایع غیربومی است، به روند تکاملی شهرهایمان بی‌اعتنا شده، با در نظر گرفتن تنگناهایی که در آن قرار داشته‌ایم ضمن اخذ تصمیم‌های عجولانه، اسیر طرح‌های دراز مدتی شده‌ایم که الگوهای پیش ساخته آن با طبیعت و جامعه

ما انطباق ندارد یا کمتر منطبق است. آنچنان که با احداث خیابان هایی به صرف عبور اتومبیل (ظاهراً) با سرعت زیاد، کالبد محوطه و اثر تاریخی شهر قدیم را قطعه قطعه کرده (حمام خسرو آقا در اصفهان، تپه هگمتان همدان، تپه حصار دامغان و محوطه باستانی شوش) و در پی آن معیارهای قراردادی اعمال شده و یا می شود که متأثر از بیگانه بوده و با نفی نظام ارزش های موجود در شهرها، نگرشی بدعت نهاده می شود که تأمین نیازهای جدید را در انهدام اثر تاریخی می دانند. در جهت مقابله با این حرکت می بایست، فعالیت های تحقیقاتی گسترده ای در زمینه مسائل مربوط به فضای تاریخی انجام شود که آن هم نیازمند داشتن روش ها و هدف هائی است که مبین شکل گیری محیط و روابط اجتماعی فرهنگی موجود در آن باشد، تا بتوان آن را مورد تحلیل و بحث قرار دهد.

جامعه شهری ما هنوز توانسته روشی در خور پیشرفت تکنولوژی و تکامل دانش های اجتماعی برای آثار تاریخی بیابد، تا به کمک آن بتواند برای تمامی شهروندان قوانینی را خلق کند که از وقار انسانی آن کم نکند و برعکس، شخصیت آن را تأکید کند. طرح مرمت يك اثر تاریخی که به نوعی می توان طرح حفاظتی و ساماندهی نامیده شود، مجموعه ای از اندیشه ها و خواست هایی را مطرح و عرضه می کند که به دلیل شفافیت و قاطع بودن و منظم بودن و پیروی از روش های تحلیلی و نتیجه گیری، شاید یکی از معدود طرح هایی باشد که در این زمینه بایستی منظور گردد.

هدایت ریشه ای درباره تحقیق و پژوهش اثر و ارائه طریق مرمتی، اندیشه هایی هستند که قبلاً هم توسط عده ای در قرن پیش در اروپا بیان شده اند، که از پایه گذاران طرح مرمت بنا در تاریخ هستند و روش های باز زنده سازی معماری آنها برای جوامع علمی و دانشگاهی ما شناخته شده و ضوابط اصولی مربوط به آن به مورد اجرا گذاشته شده است. برای مثال می توان گفت آنچه باعث ایجاد تحولات دوره رنسانس گردید، از دوران قرون وسطی نضج گرفت و آنچه فرهنگ رنسانس را رنگ داد، ریشه های کلاسیکی داشت. در ایران مشاهده می کنیم که سلاجقه وارث تمدن های درخشان قبل از خود، یعنی آل بویه و ساسانیان بودند و آنها شالوده يك مکتب درخشان را در دوران تمدن اسلامی ریختند و به تمدن های بعدی مثل صفویه سایه و رنگ بخشیدند.

به این ترتیب متوجه می شویم که چنانچه شواهد و مدارك گویای يك تمدن را از دست بدهیم، رابطه خود را با گذشته گسسته ایم. در هیچ دوره ای شهرها و آثار، این گونه توسعه نیافته اند و تعداد بشر به این اندازه نبوده است و نهایتاً این همه احتیاج به شهر و محل های مسکونی هم نبوده است. این عوامل موجب شده که در گسترش شهرها و ایجاد محله ها، بناها و خانه های مسکونی تعداد زیادی از آثار گذشته ما دستخوش ویرانی شود و نابسامانی بزرگی نتیجه این پیشرفتها و تحولات گردد. در گذشته

توسعه شهرها به کندی صورت می‌گرفت و طی سالیان متمادی به حجم شهرها و محدوده آنها به مقدار ناچیز افزوده می‌شد و هسته اصلی شهر و آنچه از دوزان‌های قبل باقی مانده بود همواره مورد احترام قرار می‌گرفت و نگهداری می‌شد. در دوران‌های نزدیکتر به ما، یعنی در قرون ۱۸ و نیمه دوم قرن ۱۹ میلادی نیز آنچه در مورد شهر به وجود می‌آمد (چه بنا و چه فضا‌های شهری مربوطه) منطبق با گذشته بود، فقط دوران ماشین و تحولات اجتماعی و اقتصادی است که نابسامانی در توسعه شهرها و در نتیجه بناها و فضا‌های مربوط به آن آشکار شده است. مشکلات ایجاد شده در شهرها در عصر ماشین بسیار و در زمینه‌های مختلف بودند. ابعاد و مقیاس‌ها با ایجاد ماشین عوض شدند و زندگی به نوعی دیگر و در ورای اعصار گذشته جلوه‌گر شد و بیشتر این آشفتگی شهرها و به هم ریختگی معماری به علت عدم آمادگی اجتماعات در برابر تحولات قرن بود. از دوران‌های گذشته همیشه بشر با درک ارزش آثار اجدادی خود به حفاظت، صیانت و مرمت آنها همت می‌گماشت.

بیشتر مساجد صدر اسلام در ایران بر روی خرابه‌های معابد ساسانی ساخته می‌شدند، مسجد تاریخانه دامغان و یا مدرسه حیدریه قزوین، مساجد جامع قزوین، اصفهان، بروجرد، شواهد بارزی از این نوع بناها می‌باشند. مسجد جامع قزوین مرتباً تعمیر شده و یا توسعه یافته و در هر دوره‌ای به حجم آن افزوده شده و ویرانی‌های آن را ترمیم کرده‌اند و یا در بعضی موارد تغییر شکل‌هایی نیز در رابطه با تحولات تکنیکی و یا پیدایش مصالح جدید در آن داده‌اند. مسجد جامع اصفهان دوره به دوره ساخته شده و هر نسلی با احترام به بناهای موجود، بنایی به آن افزوده و خرابی‌های آن را ترمیم کرده است، پس مشخص می‌شود که گذشتگان تا چه اندازه به بناهای نیاکان خود احترام گذاشته و در حفظ و صیانت آن کوشش کرده‌اند.

شرایط اقلیمی ایران موجب شده تا بناهای تاریخی دارای تنوع بسیار باشند رابطه بناهای اقلیم ایران رابطه‌یی است معنوی که نقطه قدرت آن مذهب است که مردم کشورمان شدیداً به آن معتقد و وابسته‌اند و با وجود موجهای مدرنیزه و رواج آن جامعه بومی ایران هنوز سخت به آن اعتقاد دارند. همه مراکز مذهبی در گذشته و حال دارای یک ورودی زیبا و عرفانی و دارای تزئینات مناسب با انتخاب نقوش و رنگهای آرام بخش‌اند این ورودیها مخاطبان را از هر گروه سنی و با هرگونه افکار و اندیشه به خود می‌طلبند. محرابها نشان از ارتباط معنوی انسانها با پروردگار خویش‌اند و مسجدی نیست که محراب نداشته باشد بسیاری از رمز و رازهای معماری به ویژه در دوره صفوی هنوز بخوبی شناخته نشده‌اند و بسیاری از سازه‌های بناهای مسکونی امروزی هم‌شکل شده و مناسب اقلیم و آب و هوای منطقه خود نیستند، بنایی که در تهران ساخته می‌شود و مشکلات زیستی بناها را با مصرف گاز و انرژی‌های

الکتریکی حل کرده‌اند که البته این روش قابل قبول نیست. در زلزله کرمان خانه‌هایی بیشتر تخریب شدند که الگو و سازه‌های آن‌ها شبیه بناهای تهران بود، شهرها بدون ضابطه توسعه می‌یابند و مشکلاتی را به وجود می‌آورند که متأسفانه قابل برگشت نیست.

تغییر شرایط اجتماعی و رشد و توسعه تکنیک‌های ساختمان‌سازی موجب تغییر سیستم و فنون اجرایی در معماری بومی ایران شده، تخریب بناهای قدیمی و از میان بردن تجارب فنی و مستندات این نوع بناها ما را از معماری خود بیگانه کرده است. شناخت یک سازه سنتی دلیل استفاده مجدد و به کارگیری آن نیست بلکه آگاهی از تکنیک‌های گذشته و تجربه اندوزی از آنها یک نیاز است.

از عمر مرمت در ایران بیش از یکصد سال نمی‌گذرد، بنا بر این مرمت در ایران جوان است و با وجود این همه آثار در سراسر ایران کار مرمت و تربیت کارشناسان مجرب یکی از ضروریات است و هرچه بیشتر به آن توجه شود سرمایه‌گذاری برای آینده بوده و بر هویت تاریخی ما افزوده خواهد شد و درآمدی نیز برای دولت از طریق توسعه صنعت توریسم خواهد بود.

مقدمه

حمد و سپاس پروردگاری که حی ازل و قیوم لایزلی است و سلام و صلوات بر رسول گرامی اش محمد مصطفی (ص) که خلوت نشین کعبه درگاه حق و محرم اسرار کبریاست.

هر روز که از تاریخ حیات جهان می گذرد، به عمر جهان افزوده می شود. انسان های گذشته بنا بر نیاز و ضرورت و عقایدی که داشتند، از ابتدا تا به امروز، با توجه به امکاناتی که در اختیار داشتند و آن طور که تصورشان بود، آثار و بناهای گوناگونی نظیر معابد، مقابر، کاخها، مساجد و ... مراکزی که به نوعی در ارتباط با زندگی و افکار آنها بود احداث کردند، که بسیاری از آنها در اثر حوادث مختلف نظیر، بلایای طبیعی و هجوم های انسانی نابود شده اند و بسیاری نیز نیمه ویران در کنار بشر امروزی مشهود است. تعدادی از بناها نیز در دل خاک مدفون اند و باستان شناسان در تلاش اند که به تدریج به وجود این آثار دسترسی پیدا کنند. با شروع قرن ۱۹ و ادامه آن، تحول بزرگی در جهان بوجود آمد، نوآوری و خلاقیت و پیشرفت و ابداع همراه با تکنولوژی و تولید ابزارهای صنعتی، زندگی بشر را دگرگون ساخت و اتفاقاً در چنین عرصه ای توجه به حفظ آثار و نگهداری دقیق و سیستماتیک و مرمت آنها آغاز شد، اما متأسفانه بعضی از دست اندرکاران بدون درک واقعیت ها، وجود این آثار را مانع پیشرفت و توسعه فضاهای شهری می دانستند و لذا اقدام به تخریب آنها کردند، از جمله حمام خسرو آقا از بناهای دوره صفوی اصفهان که به دستور استاندار وقت اصفهان تخریب گردید، البته این تخریب برای عبور خیابان انجام گرفت، اما راه حل های بهتری هم وجود داشت که هم خیابان تعریض شود و هم حمام خراب نشود. به هر حال آن دسته از کشورهایی که در عین پیشرفت و توسعه، اندیشه های خردمندانه ای برای حفظ آثار خود داشته اند، بسیار موفق و آینده نگرانی آنها نتیجه اش درآمد سرشار توریسم امروزی است.

اما در ایران تکیه‌گاه مهم فرهنگی کشور ما میراث فرهنگی است. کشوری که گستردگی تمدن و فرهنگ آن از مدیترانه تا رود سند است. کشوری که می‌تواند مدعی تمدن و فرهنگ غنی در میان کشورهای جهان باشد. گذشتگان ما هزاران سال در عرصه این خاک پهناور زندگی کرده‌اند و برای ما آثار جاویدانی به ارمغان گذاشته‌اند. اگر ما در حفظ و حراست و مرمت آنها کوشش نکنیم، مسئول نسل‌های آینده خواهیم بود. ما وارثان گذشتگان خود و آثار برجای مانده از آنها هستیم. رها کردن این آثار به منزله ترک هویت تاریخی ما است، همانطور که پدران ما با وجود این همه حوادث و سختی‌ها این آثار را به ما سپرده‌اند، وظیفه انسانی ما بقاء و دوام این آثار است. در کشور ما، به نظر می‌رسد که برآوردن تمام هزینه‌ها و امکانات لازم برای حفاظت و احیاء آثار و بناهای تاریخی، برای دست‌اندرکاران اداره کشور کاملاً مقدور نیست، لذا باید با آگاهی دادن، ترویج و ترغیب مردم به حفظ آثار و بناهایی که نیاکان ما در احداث و ایجاد آنها زحمات بسیار کشیده‌اند، به مشارکت‌های مردمی توجه نماییم و از سازمان‌های مردم‌نهاد مدد بجویم. در پایان لازم است با گرامیداشت یاد و خاطره مرحوم استاد دکتر محمدکریم پیرنیا که به معماری ایران عشق می‌ورزید و هم‌چنین استاد ارجمند و بزرگوار، شادروان دکتر باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی که در امر مرمت بسیار کوشید و در این زمینه خدمات بسیار ارزشمندی ارائه نمود و از تمامی استادان گرامی که از محضر آنان کسب فیض کرده‌ایم، از جمله، جناب آقایان دکتر محمد منصور فلامکی، استاد حسین زمرشیری، دکتر مهدی حجت، مهندس محمدحسن مجبعلی، مهندس سید محمد بهشتی، دکتر اصغر محمد مرادی، مهندس علی‌اکبر سعیدی، دکتر اسکندر مختاری طالقانی، دکتر فرهاد تهرانی، دکتر جدی، مهندس بهرام قدیری، دکتر محمد حسن طالبیان و سایر عزیزانی که در تهیه و تدوین کتاب، از مقالات علمی و کتاب‌های سودمند آنها استفاده شده، تشکر و قدردانی نماییم. هم‌چنین لازم است از انتشارات وزین پرهام نقش که طولانی شدن چاپ کتاب را صبورانه تحمل کرده‌اند قدردانی نماییم.

در چند دهه اخیر مقالات، جزوات و کتاب‌هایی در امر مرمت توسط اساتید گرانقدر چاپ و نشر پیدا کرده است که مطالعه آنها برای آگاهی و رشد دانش مرمت‌گران و دوستداران آن بسیار مفید است. اما می‌دانیم کار مرمت بنا در ایران نوپا و جدید است و هر مقدار تلاش در این زمینه، موجب ترقی و تعالی مرمت‌گران جوان و بی‌نیازی ایران به مرمت‌کاران بیگانه خواهد شد.

کتاب حاضر اولین کتاب دانشگاهی در ایران با عنوان مبانی نظری مرمت می‌باشد که حاصل سال‌ها تجربه، مطالعه و پژوهش در کار مرمت است، البته ممکن است با چاپ نخست آن

کاستی‌هایی در متن داشته باشد، لکن کتابی است جامع و کامل از مجموعه عناوین امر مرمت، اعم از معرفی نظریه‌پردازان مشهور جهان و عقاید آنها، قوانین و آیین‌نامه‌های مرمتی در جهان و ایران و تاریخچه مختصری از مرمت در ایران و جهان و معرفی آسیب‌های بنا و علت و علل آنها و درمان آسیب‌های بنا. در مجموع کتابی است که از تمامی ظرفیت‌های مرمتی در آن استفاده شده و برای عزیزانی که علاقه‌مند به آگاهی از دانش مرمت، حفظ و احیاء هستند، به ویژه دانشجویان عزیز و همه فرهیختگانی که در آغاز راه هستند سودمند و راه‌گشا می‌باشد و به نظر می‌رسد جای خالی چنین کتابی با زبان ساده بسیار محسوس می‌باشد.

سید مهدی میردانش

مجید کفایی قاینی

www.ketab.ir